

تاریخ تشکیلات سیاسی و حقوقی در جهان

۱۵

اریستوکراسی

در اصطلاح و منطق فلاسفه اریستوکراسی اطلاق میشود بحکومت‌های اشرافی و بنا بر آنچه ارسطو در کتاب سیاست میگوید از واژه اریستوکراسی شرافت بمفهوم حقیقی و خاص خود اداره میشود یعنی در حکومت اریستوکراسی متصدیان امور و هیئت حاکمه از مردمی تشکیل میشود که از هر جهت شایسته اداره امور یک کشور باشند و ملاک انتخاب آنان فضیلت و لیاقت آنها باشد.

در یونان قدیم کشورهای که با رژیم اریستوکراسی اداره میشد قدرت در اختیار مجلس سنا بوده مجلس سنا از شخصیت‌های بارز کشور کسانی که در مقامات کشوری یا لشکری خدماتی کرده باشند و فضیلت و تقوای آنان در طی خدماتشان در پیشگاه ملت مسلم باشد تشکیل می‌یافت زمامدار با نظر ورأی اکثریت سناتورها برای مدت معینی انتخاب میشد متصدیان امور عمومی و قضائی نیز با مقررات خاصی از طرف زمامدار با تصویب مجلس سنا انتخاب میشدند در حکومت اریستوکراسی شرط حتمی در انتخاب زمامداران و متصدیان امور شرافت و فضیلت بوده روی همین اصل سیستم اریستوکراسی بمنطق ارسطو از انواع خوب حکومت بشمار میرود ارسطو میگوید آن شرافت و فضیلتی که میتواند ملاک صلاحیت حاکمه قرار گیرد بیشتر در میان طبقه توانگران یافت میشود زیرا شرافت بمفهوم خاص خود مولود دانش و معرفت است نوعاً کسانی قادر

با کسب دانش و معرفت میباشند و این توانائی تنها برای کسانی میسر است که از نعمتهای مادی برخوردارند و میتوانند در پی تحصیل و کسب دانش بروند بنابراین توانگران بیشتر بزور علم و معرفت آراسته میباشند در مقابل مردم تهیدست و فقیر میباشند که بواسطه نداشتن توانائی کسب دانش و معرفت و تربیت صحیح غالباً از مجرای مستقیم منحرف و مرتکب خطا میشوند بنابراین باید هیئت حاکمه هر کشور از طبقه اشراف که غالباً صاحب علم و معرفت و بصفت فضیلت و تقوا متصفند بوده باشند ارسطو با این منطق رژیم اریستوکراسی را میستاید و از انواع حکومت خوب میداند و میگوید مادامیکه طبقه شریف و با فضیلت زمام امور و قدرت دولت را در دست داشته باشند و سیستم اریستوکراسی بمفهوم واقعی خود وجود داشته باشد از انواع خوب حکومت طبقه‌ای میباشند لکن بعقیده ارسطو طبع حکومت اریستوکراسی استعداد تبدیل بحکومت الیگارشسی را دارد رژیم الیگارشسی نوع منحط حکومت طبقه میباشند.

الیگارشسی در اصطلاح فلاسفه بحکومتی اطلاق میشود که ملاک انتخاب زمامداران و طبقه حاکمه ثروت و توانگری بوده باشد درست عکس اریستوکراسی در اریستوکراسی فضیلت و شرافت بمفهوم واقعی ملاک انتخاب است و توانگری بطور اعم و اغلب طریقت دارد نه موضوعیت ولی در الیگارشسی ثروت بجای شرافت و موضوعیت دارد بنظر ارسطو چون در رژیم اریستوکراسی زمامداران از دانشمندان توانگر انتخاب میشوند و قدرت بمرور در یک طبقه بخصوص متمرکز میگردد و تدریجاً عناوین و مقامات اجتماعی بارث منتقل باعقاب آنان میشود قهراً بمنشاء قدرت و علت بقای آن که ثروت است متوجه شده و بقای مقامات خودشانرا در سایه توانگری و تقویت جنبه مادیات میدانند فرض اینست قدرت دولت هم در اختیار این طبقه است قوانین موضوعه از جنبه صلاح نوعی منحرف و بمصلحت طبقه حاکمه میگردد و زمانی نمیگذرد که اریستوکراسی بصورت الیگارشسی مسخ خواهد شد چنانچه در حکومتهای الیگارشسی یکی از شرایط شرکت در طبقه حاکمه پرداخت میزان معینی مالیات بوده است.

طبع خودخواه بشر هنگامی که تشخیص دهد مبنا و منشأ قدرتش ثروت و

توانگری است و قدرت هم در اختیار داشته باشد بدیهی است برای بدست آوردن ثروت از هیچگونه اعمال زور و توسل بوسائل غیر مشروع و ظالمانه خودداری نمی کند قابل تردید نیست هر مقدار بشر متوجه مادیات شود بهمان اندازه از معنویات و فضائل انسانی بدور میافتد در اینصورت رژیم اریستوکراسی با همه زیبایی که دارد خطر انقلاب و تبدیل آن بالیگارشسی را که نوعی از حکومت ستمگری است دارد.

سومین نوع حکومت خوب باصطلاح ارسطو حکومت پلیتی است ارسطو رژیم پلیتی را چنین تعریف می کند حکومت اکثریت متوسط شریف و عادل که در حقیقت اصطلاح پلیتی در منطق ارسطو نزدیک بمفهوم دموکراسی زمان معاصر که حکومت اکثریت معتدل است می باشد بعقیده ارسطو و فلاسفه قبل از او این سیستم حکومت را که اصطلاحاً بآن پلیتی میگویند از انواع خوب حکومت اکثریت است. انتخابات در حکومت پلیتی بطوری که مورخین نوشته اند در یونان قدیم بطور مستقیم انجام میشده و ملت مستقیماً نظارت در امور کشوری داشته باین توضیح که افراد ذیحقوق یعنی کسانی که حق دخالت در امور و دادن رأی داشتند در محلی اجتماع میکردند و مستقیماً نسبت بمتصدیان امور کشوری و قضائی برای مدت معینی رأی میدادند ولی در زمان پریکلس بنا بر آنچه البرماله مورخ مشهور مینویسد انتخابات تغییر وضع داده و باین ترتیب که ملت نمایندگان برای وضع قوانین ولوایح و انتخاب متصدیان امور اجتماعی و کشوری و قضائی تعیین میکردند و علت این تغییر وضعیت آن بود که تمام افراد ذیحقوق نمیتوانستند همه دور هم جمع شوند و فرصت کافی نینداشتند که تمام لوایح قانونی را مورد مطالعه و مذاقه قرار دهند قهراً میبایست در هر مدت یکمرتبه برای امور اجتماعی جلسه عمومی ملت تشکیل شود و این اجتماع در فاصله های نزدیک برای تمام افراد ذیحقوق کشور غیرمقدور بود و در فواصل جلسات حوادث و مطالبی اتفاق میافتاد که احتیاج بطرح در محضر عموم ملت داشت و باتشکیل جلسه عمومی دولت قادر بقطع و فصل آن نبود بنا بر این پریکلس پیشنهاد نمود که در هر سال در محضر ملت پانصد نفر از افراد مطلع و ذیحقوق ملت بنام نمایندگان ملت با اکثریت

آراء تعیین شوند و آن نمایندگان هم بده شعبه تقسیم شوند و هر شعبه از شعب ده گانه در یکدهم از سال موظف باشند همه روزه تشکیل جلسه بدهند و بنام نمایندگان ملت در تصویب لوایح و انتخاب متصدیان امور اقدام نمایند و در هر سال انتخابات عمومی باین کیفیت تجدید گردد .

متصدیان امور به کسانی در حکومت پلیتی اطلاق میشد که معجری او امر اکثریت ملت بوده باشند از آن جمله بودند ولات و فرماندهان قشون ریاست محاکم قضائی باولات و ادار مواضعی کشور با فرماندهان قشون بود در عین حال عزل و نصب و نظارت کامل نسبت به فرمانده کل قوا و متصدیان امور با نمایندگان ملت بوده است نمایندگان ملت بشرح زیر بآرای عمومی انتخاب میشدند باین ترتیب که نامزدهای نمایندگان اعلام میشدند و نام آنان را در يك ورقه مینوشتند و در ظرفی میریختند در ظرف دیگر باقلای سیاه و سفید ریخته یکنفر در آن واحد يك ورقه و يك باقلا ازدو ظرف در حضور نمایندگان استخراج میکرد کسانی که باقلای سفید با اسم آنها استخراج میشد رأی مثبت داشتند و باقلای سیاه رأی منفی بود باین ترتیب برگزیده ملت تعیین میشد ولی در مورد فرماندهان قشون که اداره واقعی کشور بعهده آنها بود دقت بیشتری میشد چنانچه انتخاب آنان از قاعده فوق استثناء بود و انتخاب فرماندهان قشون برای مدتی که کمتر از یکسال نبود برأی عموم ملت و مردم ذیحقوق انتخاب میکردید و حتی در بعض موارد تجدید انتخاب را هم جایز شمرده بودند .

این سیستم از حکومت را ارسطو پلیتی نام گذاری کرده و آنرا از انواع حکومت خوب میداند ارسطو میگوید این نوع از حکومت نیز با همه خوبیها که دارد و اکثریت مردم در سرنوشت کشور خویش دخیل میباشند لکن طبع این نوع از حکومت نیز قابل انقلاب و تبدیل بنوع منحطی میباشد استدلال ارسطو اینست که در حکومت پلیتی انتخاب هیئت حاکمه و مجالس شورا بآراء عمومی تمام افراد ذیحقوق است هنگامی این انتخابات میتواند نتیجه مطلوب داشته باشد که اکثریت ملت بتواند مصالح و مفاسد نوعی را تشخیص دهد و طبقه فاضله کشور را اکثریت افراد ذیحقوق تشکیل دهد ولی مادامیکه رشد ملت از لحاظ دانش و رشد ملی کافی نباشد نتیجه خوب

در برنخواهد داشت بلکه نامزدهای مجالس شورا و فرماندهان قشون که بآراء عمومی انتخاب میشوند بوسائل مختلف حتی پرداخت پول و رشوه صاحبان رأی را تحت نفوذ قرار میدهند و مقامات حساس عمومی را افرادی ناصالح اشغال مینمایند روی این اصل حکومت اکثریت صالح تبدیل بحکومت اکثریت نا صالح میگردد . نظریه ارسطو در دوران تاریخ دردمو کراسی های اسمی نمایان شده چنانچه انتخابات بمفهوم واقعی آزاد باشد در کشورهاییکه اکثریت رشد اجتماعی ندارند نتیجه معکوس خواهد داشت چنانچه در فصول بعد در کیفیت انتخابات رم تفصیلاً ملاحظه خواهیم کرد که نامزدهای مقامات مناصب کشوری با پوشیدن لباس مخصوص بهمراهی شخصی بنام نمان کلانتر در میدان فروم که محل اجتماع مردم بود در بین مردم گردش میکرد نمان کلانتر با صدای بلند اورا معرفی میکرد و جلب توجه اشخاص را مینمود نامزد انتخاب هم دست مردم را میفشرد و از آنها احوالپرسی میکرد و آنها را بخدمات خود امیدوار مینمود و حتی بآنها پول میداد و رأی آنها را میخرید بطوریکه البرماله مینویسد مخصوصاً در قرن یکم قبل از میلاد مسیح که رم بمنتها درجه قدرت و شوکت رسید و مقامات کشوری دارای اهمیت بود برای احراز مقام رشوه و ارتشاء در موقع انتخابات بشکل فزاحت آوری رواج یافته بود .

با این وصف از حکومت ملی و دمو کراسی باصطلاح امروزه و باصطلاح ارسطو حکومت پلیتی ملت نتیجه معکوس خواهد گرفت چون ملتی که فرهنگ کافی ندارد و در انتخاب هیئت حاکمه تحت تأثیر عواملی غیر از صلاحیت ذاتی منتخب قرار میگیرد نتیجه مطلوب و حکومت مطلوب بدست نخواهد آورد .

این بود نظر ارسطو نسبت بانواع حکومتهای خوب که بیش از سه رژیم آن حکومت مطلوب نمیشد و در مقابل هر یک از انواع حکومتهای خوب نوعی حکومت منخط و پست بیان کرد آنچه از مجموع تحقیقات ارسطو در فلسفه سیاسی وی بدست میآید آنستکه در انواع حکومتها اعم از حکومت سلطنتی یا اشرافی یا جمهوری مادامی خوب و حکومت مطلوب میتواند باشد که زمامدار و متصدیان و طبقه حاکمه روی صلاحیت ذاتی و شرافت واقعی انتخاب و قدرت دولت را در دست گرفته باشند و در هر یک از انواع حکومتها که هیئت حاکمه فاقد صلاحیت باشند آن نوع از حکومت بستمگری تبدیل خواهد شد .